درس 16

1 دعا
رهبر گروه: دعا كنيد و اعضاي گروه و نيز اين درس را كه راجع به موعظة ملكوت خدا است، به خداوند بسپاريد.

2 در ميان گذاشتنِ آموخته‌ها (15 دقيقه)
دوم تواريخ
هر يك به‌نوبت و به‌طور خلاصه براي ديگران تعريف كنيد كه در خلال يكي از «اوقات خلوتي» كه به مطالعه قسمت‌هاي تعيين‌شده از كتاب‌مقدس مشغول بوده‌ايد، چه آموخته‌ايد (دوم تواريخ 32، 33، 34، 36)، (يا يادداشتهايي را كه در اوقات خلوت خود نوشته‌ايد، بخوانيد).
به كسي كه صحبت مي‌كند خوب گوش كنيد، سخنانش را جدي بگيريد و او را بپذيريد. در مورد آنچه مي‌گويد بحث نكنيد.

3 به خاطر سپردن (5 دقيقه)
عنوان مجموعه: كليساي مسيح
دو به دو مرور كنيد. كليساي مسيح 4: وظايف رهبرانِ كليسا: اعمال 20:28.

4 بررسي كتاب‌مقدس (90 دقيقه)
روميان 4:17-25
مقدمه:
پولس در روميان 4:1-16 ثابت كرد كه در كتاب‌مقدس، عادل شمردگي به ايمان همواره تنها راه نجات انسان بوده است. او در روميان 4:17-22 خصوصيات ايمان ابراهيم را تشريح مي‌كند تا نشان دهد كه ايمان حقيقي و اصيل چيست. و در روميان 4:23-25 نيز در خصوص اهميت ايمان ابراهيم براي ايمانداران امروز تعليم مي‌دهد.

گام 1: قرائت
قرائت: روميان 4:17-25 را با هم بخوانيم.
هر يك از ما به‌نوبت يك آيه را بخوانيم تا قرائت تكميل شود.

گام 2: كشف كردن
ملاحظه: كدام حقيقت در اين بخش براي شما مهم است؟
يا: كدام حقيقت در اين بخش فكرتان يا قلبتان را لمس مي‌كند؟
يادداشت: يك يا دو حقيقت را كه درك مي‌كنيد كشف نماييد، در موردشان تفكر كنيد، و فكرتان را در دفترتان يادداشت كنيد.
در ميان گذاشتن: (پس از آنكه اعضاي گروه وقتي را به فكر كردن و يادداشت كردن گذراندند، بخواهيد كه به‌نوبت افكارشان را در ميان بگذارند).
حالا به‌نوبت آنچه را كه كشف كرده‌ايم، با يكديگر در ميان بگذاريم.
(سطور بعدي نمونه‌اي است از اينكه چطور افراد كشفيات خود را در ميان مي‌گذارند. به ياد داشته باشيد كه در هر گروه كوچك، اعضاي گروه مطالب متفاوتي را با هم در ميان خواهند گذاشت، و نه الزاماً مطالب ذيل را.)
كشف 1ـ در روميان 4:17-22 حقيقت مهمي براي من وجود دارد. «ايمان ابراهيم چهار ويژگي خاص داشت.»
1- اولين ويژگي ايمان در روميان 4:17 بيان شده است. خداي زنده، موضوع ايمان ابراهيم بود. او فقط ايمان نياورد، بلكه به چيزي و به كسي ايمان آورد. او به خداي زنده و وعده‌اي كه از او شنيده بود ايمان آورد. او ايمان داشت كه خدا قادر مطلق است و مي‌تواند به مردگان حيات ببخشد. همچنين به وفاداري خدا ايمان داشت، و اينكه وعدة او به اندازة تحقق آن نيكو است.
2- ويژگي دوم ايمان در روميان 4:18 آمده است. هدف ايمان ابراهيم مستقيماً با اميد ارتباط داشت. ايمان و اميد ابراهيم متحداً عمل مي‌كرد. او به آنچه بر آن اميد بسته بود، ايمان داشت. ايمان او اين بود كه به تحقق وعدة خدا اطمينان داشت. ابراهيم گرچه مي‌دانست كه با توجه به شرايط موجود، از نقطه نظر انساني غيرممكن است كه صاحب فرزندي شود، اما با عزمي راسخ به اقتدار مطلق خدا و تحقق وعدة او ايمان آورد. اين‌كه ابراهيم بايد پدر ملل بسيار مي‌شد، فقط هدف خدا نبود (4:11)، بلكه هدف آگاهانة خود ابراهيم نيز بود (4:18). ابراهيم آگاهانه هدفي را كه خدا براي زندگي او داشت، هدف خود ساخت! او با قطع و يقين، به حتمي بودنِ اميد ايمان آورد، تا مبادا وعده‌اي كه او را پدر ملل بسيار مي‌ساخت، به‌وقوع نپيوندد.

3- ديگر ويژگي ايمان در روميان 4:19-21 ذكر شده است. نگرش ابراهيم در مورد شخصيت خدا، نيروي ايمان او را تعيين مي‌كرد. خدا به او و همسرش وعده داده بود كه بديشان پسري عطا خواهد كـرد و آن پسر را مايهٔ بركت همه قبايل جهان خواهد ساخت. اما به‌سبب اين كه هر دو بسيار پير و سـالخورده بودند، از نقطه نظر علمي و انساني، تحقق چنين وعده‌اي بعيد و غيرممكن به نظـر مي‌رسـيد. امـا به‌رغم آن، ابراهيم اجازه نداد كه شرايط موجود ايمان او را تعيين كنـد. او بـدون اين‌كـه ايمـان خـود را از دسـت بدهد، با شرايط زندگي به مقابله پرداخت. او چگونه توانست چنين كند؟ روميان 4:20-21 مي‌فرمايد كـه نگرش او نسبت به خدا، تعيين كنندهٔ ماهيت و نوع ايمان او بود. از آنجا كه او به اقتدار مطلـق و وفـاداري خدا ايمان داشت، دچار شك و ترديد نشد. خدا نيز با يادآوري و تكرار وعده‌اي كه بدو داده بـود، ايمـان وي را تقويت بخشيد.

هر بار كه او خدا را تمجيد مي‌كرد، بر ايمانش افزوده مي‌شد. و ايستادگي بر اين باور راسـخ كـه خـدا قادر است وعدهٔ خود را تحقق بخشد، ايمان او را تقويت مي‌نمود.

4- چهارمين ويژگي ايمان ابراهيم در روميان 4:22 ذكر شده است. ايمان ابراهيم سـبب شـد كـه او عادل شمرده شود. ايمان او صرفاً ايماني عقلاني نبود. حتي ايماني نـيز نبـود كـه شـرط ظهـور معجـزات است؛ ايمان او ايمان نجات بود، يعني ايماني كه هادي بسوي نجات و عادل شمردگي اسـت. ايمـان او بـا وعدهٔ خدا مبني بر ظهور مسيحاي موعود همسو بود، يعني كسي كه بايد با مرگ و قيام و خود مايهٔ بركت همه قبايل جهان مي‌شد. ايمان او سبب شد كه به سخن خدا اعتماد كند و تماماً به عدالت خـدا در مسـيح براي نجات متكي بود، نه بر هيچ نوع عملي.

كشف 2ـ در روميان 4:23-25 حقيقت مهمي براي من وجود دارد. ايمان ابراهيم براي ايمانداران امروز داراي اهميت‌هايي به شرح زير است.

در اول قرنتيان 10:11، پولس مي‌فرمايد: «آنچه بر اسـرائيل واقـع شـد، به‌طـور مثـل بديشـان واقـع شد ، و براي تنبيه ما مكتوب گرديد كـه اواخـر عـالم بـه مـا رسـيده اسـت.» و در رومیـان 4:23-24 نـيز مي‌فرمايد كه آنچه در مورد ابراهيم نوشته شد، در مورد ما نيز مصداق دارد . ايمان نه تنها بـراي ابـراهيم، بلكه براي تمامي آنان كه ايمان بياورند نيز عدالت محسوب خواهد شد.

اگر چه شرايط ايمان ابراهيم با شرايط ايمان ما متفـاوت اسـت، امـا نقـاط تشـابه ايمانمـان گـواهي است بر اين كه ايمان، در دوران عهدعتيق نيز همچون دوران عهدجديد حياتي و ضروري بوده است.

1- نخستين وجه تشابه ايمان ما با ايمان ابراهيم در اين است كه موضوع ايمان ابراهيم خودِ خدا بود (4:3). موضوع ايمان ما نيز خودِ خدا است (4:24). ابراهيم و ما، هر دو به خدا ايمان داريم، و خـدا اسـت كه اين ايمان را براي ما عدالت محسوب مي‌كند.

2- تشابه ديگر اين است كه ايمان ابراهيم بر خدايي بـود كـه بـه مردگـان حيـات مي‌بخشـد (4:17). همچنين ايمان ما نيز بر خدايي است كه خداوندمان عيسي مسيح را از مردگان برخيزانيد (4:24).

3- ايمان ابراهيم وعدهٔ خدا را به‌عنوان وعده‌اي پذيرفت كه به قطع و يقين به تحقق مي‌پيوندد (4:21). همچنين ايمان ما نيز وعدهٔ خدا را به‌عنوان وعده‌اي مي‌پـذيرد كـه در مـرگ و رسـتاخيز عيسـي مسـيح تحقق يافته است (4:25). هر چند نبايد مكاشفهٔ پيش‌روندهٔ خدا در طـول تـاريخ نجـات را ناديـده بگـيريم. تفاوت عمدهٔ شرايط ما با شرايط ابراهيم در اين است كه او وعـده را دريـافت كـرد و مـا تحقـق آن را ! ايمان او بر تحقق وعدهٔ خدا متمركز بود و ايمان ما بر تحقـق عمـل رهـايي‌بخش عيسـي مسـيح متمركـز است. بدين سبب است كه پولس در اول قرنتيان 10:11 مي‌توانست بنويسد: «اواخر عالم به ما رسـيده است». و به همين دليل است كه نويسندهٔ رساله به عبرانيان مي‌گويد كه عيسي مسيح «يك بار در اواخر عالم ظاهر شد تا به قرباني خود، گناه را محو سازد» (9:26). ابراهيم در ابتداي عالم مي‌زيسـت امـا مـا در دوران كمال و پايان عالم زندگي مي‌كنيم.

گام 3: سؤال

ملاحظه: از اين بخش چه چيزي مايليد از گروه بپرسيد؟

سـعي كـنيم همـه حقـايق موجـود در رومیـان 4:17-25 را درك كـنيم و در مـورد مطـالبي كـه درك نمي‌كنيم، سؤال كنيم.

يادداشت: سؤال خود را تا حد امكان روشن طرح كنيد. سپس آن را در دفترتان بنويسيد.

در ميان گذاشتن: (پس از آنكه اعضاي گروه وقتي را به تفكر و يادداشت كردن گذراندند، اجازه دهيد ابتدا هر كس نظرات خود را مطرح كند.)

بحث: (سپس چند تا از اين سؤالات را انتخاب كنيد و بكوشيد در بارهٔ آنها در گروه بحث كنيد و پاسخشـان را بيابيد.)

(مطالب ذيل نمونه‌هايي است از سؤالاتي كه ممكن است محصـلين مطـرح كننـد؛ همچـنين تـذكراتي براي بحث در بارهٔ سؤالات ارائه شده است.)

سؤال 1 (4:17). معناي اين آيه چيست كه مي‌گويد «كه مردگان را زنده مي‌كند» و «ناموجودات را به وجود مي‌خواند»؟

يادداشت.

1- ابراهيم به خدايي ايمان آورد كه «مردگان را زنده مي‌كند.» روميان 4:17 در مورد خصوصيات خدا سخن مي‌گويد كه موضوعِ خاص ايمان ابراهيم بودند و ابراهيم بـه آنهـا ايمـان آورد و عـادل شـمرده شـد.

ابراهيم به خداي قادر مطلق ايمان آورد كه تمامي قدرت از آن او است و مي‌تواند مردگان را حيات بخشد. اين عامل تمايز خداي زنده از تمامي ديگر خدايانِ به‌اصطلاح معروف اين جهانِ است. او نه تنها خالق بلكه عامل عامل دوام و قوام تمامي عالم است. و او است كه مردگان را از مرگ بر مي‌خيزاند و تمامي انسان‌ها را داوري مي‌كند (يوحنا 5:28-29؛ افسسيان 1:19-20). از آنجا كه قدرت حيات‌بخش او مردگان را برمي‌خيزاند، پس قادر است نيمه‌مردگان را نيز حيات بخشد. ابراهيم ايمان آورد كه خدا مي‌تواند او و ساره را صاحب فرزند سازد، حتي با وجود آنكه هر دو پير و سالخورده بودند.

2- ابراهيم به خدايي قادر مطلق ايمان آورد كه «ناموجودات را به وجود مي‌خواند». منظور پولس از به وجود خواندنِ ناموجودات اين نيست كه خدا هنوز همه واقعيت‌هايي جديدي را بر اساس ممكنات مي‌آفريند. بلكه مي‌گويد كه خدا چيزهايي را كه هنوز وجود ندارند، به‌عنوان چيزهاي موجود مي‌خواند! «ناموجودات» به چيزهايي اشاره دارد كه خدا پديدايي آنها در آينده را مقرر كرده است اما هنوز به تحقق نپيوسته‌اند. چيزهايي كه هنوز وجود ندارند اما از آنجا كه خدا پديدآيي‌شان را مقرر فرموده، آنها را موجود مي‌خواند. چيزهايي كه اگر چه هنوز وجود ندارند اما به‌سبب آنكه خدا پديدايي‌شان را مقرر فرموده است، وقوع و ظهورشان در آينده قطعي و حتمي است.

بنابراين، براي ابراهيم، وعدة خدا به اندازة تحقق آن معتبر بود! براي او «ناموجودات» در زمرة احتمالات به‌شمار نمي‌آمد، بلكه قطعيات! خدا وقوع اين حقيقت را مقرر فرموده بود، بدين‌سان بايد به قطع و يقين به‌وقوع مي‌پيوست! عبرانيان 11:1 نيز چنين مي‌فرمايد: «پس ايمان، اعتماد بر چيزهاي اميد داشته شده است و برهانِ چيزهاي نادیده». ايمان ابراهيم همچون آرزوي تحقق وعدة خدا نبود، بلكه اطمينان و يقيني قطعي بود به تحقق اين وعده!

سؤال 2 (4:18). ابراهيم چگونه اميدوار بود؟

يادداشت. روميان 4:18 مي‌فرمايد كه ابراهيم به‌رغم تمامي يأس و ناامیدي‌ها به اميد ايمان آورد. عبارت «در ناامیدي» به شرايط او اشاره مي‌كند كه پولس در آية 19 آن را تشريح مي‌كند. اگر او به شرايط خود كه همانا بدن مردة خويش و رحم مردة همسرش ساره بود نگاه مي‌كرد، اين شرايط تمامي اميد او را تباه مي‌ساخت. اگر او تنها به تواناييها و امكانات انساني نگاه مي‌كرد، براي او و همسرش ساره ممكن نبود كه بتوانند صاحب فرزندي بشوند.

منظور از عبارت «به اميد ايمان آورد» اين نيست كه ابراهيم به محتواي اميد خود ايمان آورد، زيرا موضوع ايمان او خدا بود نه اميد. ايمان و اميد او با هم در كار بودند. ايمان ابراهيم بر خصوصيات خدا استوار بود و اميد او بر وعدة خدا. ايمان او بر اقتدار مطلق و وفاداري خدا بود و اميد او بر تحقق وعدة خدا.

سؤال 3 (4:19-21). چه چيز باعث تقويت ايمان ابراهيم شد؟

يادداشت.

1- نگرش ابراهيم نسبت به خدا خصوصيات ايمان او را تعيين كرد. آية 19 مي‌فرمايد: «و در ايمان كم‌قوت نشده، نظر كرد به بدن خود كه در آن وقت مرده بود، و به رحم مردة ساره». او به‌جاي آنكه شرايط خود را ناديده بگيرد، عمداً با آن روبرو شد، و كاملاً آگاه بود كه بدن خودش و رحم ساره مرده است. از نقطه نظر انساني، آنها هر دو انقدر پير و سالخورده بودند كه نمي‌توانستند صاحب فرزند شوند (پيدايش 17:17؛ 18:11). اما او به‌رغم آنكه شرايط خود را در نظر داشت، اما در ايمان ضعيف نشد. اگر او در ايمان ضعيف نشد به اين دليل بود كه چشمان خود را بر وعدة خدا دوخته بود و دچار شك و بي‌ايماني نشد. آية 20 تشريح مي‌كند كه چرا ابراهيم در ايمان ضعيف نشد. مي‌گويد كه او در وعدة خدا از بي‌ايماني شك ننمود. او در مورد وعدة خدا دچار شك نشد زيرا بر وفاداري و اقتدار مطلق خدا ايمان داشت. آية 21 مي گويد كه او يقين دانست كه خدا به وفاي وعدة خود قادر است. اين نقطة قوت ايمان ابراهيم بود. نگرش او نسبت به خدا خصوصيات ايمان او به خدا را تعيين كرد. از آنجا كه او خدا را وفادار و قادر مطلق مي‌ديد، ايمان او بر خدا قوي و خلل‌ناپذير بود.

2- تكرار وعدة خدا ايمان ابراهيم را تقويت كرد. آية 20 مي‌فرمايد كه ابراهيم «قوي الايمان» شد. و اين بدان معنا است كه او به‌وسيلة ايمانش تقويت يافت. حال سؤال اين است كه در رابطه با ايمان، چه چيز باعث تقويت ابراهيم شد؟ او به‌وسيلة تكرار وعدة خدا تقويت يافت. خدا بارها وعدة خود به ابراهيم را تجديد كرد (پيدايش 12:1-3؛ 15:4-6، 18-21؛ 17:1-21). ايمان او به وعدة خدا كه بارها تكرار شد، وي را تقويت نمود.

3- جلال دادن خدا ايمان ابراهيم را تقويت كرد. آيات 20-21 مي‌فرمايد كه ابراهيم «قوي‌الايمان گشته، خدا را تمجيد نمود. و يقين دانست كه به وفاي وعدة خود قادر است.» تمجيد نمودن خدا يعني باور داشتن او آن‌گونه كه هست و اينكه او به آنچه مي‌گويد عمل مي‌كند. ايمان داشتن به خدا به مثابه تمجيد كردن او و شك كردن به او به مثابه بي‌حرمتي كردن او است. قوت ايمان ابراهيم به شخصيت و يا اعمال او بستگي نداشت بلكه به خصوصيات خدا و آنچه به ابراهيم وعده داده بود! و به همين سبب بود كه ابراهيم پيوسته خدا را تمجيد مي‌كرد.

سؤال 4 (4:22). معناي دقيق عبارت «(ايمان او) براي او عدالت محسوب شد» چيست؟

يادداشت. ايمان ابراهيم براي او عدالت محسوب شد. اين بدان معنا نيست كه ايمان او همچون نوعي عمل تلقي شد و اين عمل همچون عمل عادلانة او بـه حسـاب او گذاشـته شـد. چـرا كـه در اين صـورت مي‌توانست در حضور خدا فخر و مباهات كند (4:2).

ايمان ابراهيم هرگز نمي‌تواند به‌عنوان عملي عادلانه به حساب آيد چرا كه از سـر فيض و رحمت خـدا و به مثابه هديه‌اي به حساب او گـذارده شـد (4:16)، نـه بـه مثابـة تعهـدي از سـوي خـدا (4:4)! عبـارت «محسوب شدن» به معناي پاداش يا جبران نيست. بلكه عبارتي است حقوقي به معناي «نسـبت دادن»، «به حساب گذاردن» يا «منظور داشتن» از لحاظ «تلقي كردن و يا برخـورد كـردن» بـا كسـي. بنـابراين، بدان سبب كه مبادا عبارت «محسوب داشتن» را به‌عنوان جبران يا پاداش در نظر بگيريم، بهتر آن اسـت كه بگوييم «ايمان ابراهيم براي او به‌عنوان عدالت محسوب شد يا به پاي او نوشته شد». و اين بدان معنا است كه خدا در پاسخ به ايمان ابراهيم، او را صددرصد عادل اعلام كرد و از آن پس به او به‌عنوان فـردي صددرصد عادل نگاه كرد!

عبارت «براي او عدالت محسوب شد» دقيقاً بدين معنا اسـت كـه «او تنهـا بـه ايمـان عـادل شـمرده شد». اگر چه «عدالت» هديه‌اي است از جانب خدا كه شايستگي‌اش را نداريم، اما «ايمان» ما وسـيله‌اي است كه شخصاً از طريق آن هدية خدا را دريافت مي‌كنيم. به‌علاوه، اين ايمان، ايماني عام نيسـت. ايمـان ابراهيم ايماني عام به هر خدايي نبود، بلكه ايمـاني خـاص بـود بـا محتـوا و مضـموني خـاص. ايمـان او بـر اساس وعدة خدا مبني بر ظهور مسيحاي موعود، يعني عيسي مسيح بود، كسي كه مي‌بايست با مـرگ و قيام خود مايهٔ بركت تمامي ملل جهان مي‌شد. و هدف ايمان او تمجيد كردن و جلال دادن خدا بود.

سؤال 5 (4:25). چرا عادل شمرده شدن ما بر اساس هر دو واقعه، يعني مرگ و قيام عيسي مسيح استوار است؟

يادداشت. آية 25 مي‌فرمايد كه عيسي به‌خاطر گناهان ما به مرگ سپرده شد و بـراي عـادل كـردن مـا از مرگ بر خيزانيده شد. عيسي مسيح به مرگ سپرده شد تا عادل‌شمردگي ما را ممكن سازد، يعـني اينكـه با گناهانمان به‌گونه‌اي مؤثر برخورد كند و آنها را كفاره نمايد تا خدا ما را عادل بشمارد.

و عيسي مسيح پس از مرگ قيام كـرد تـا عـادل شـمردگي مـا را تضـمين كنـد. روميـان 3:24 و 5:9 مي‌گويند كه ما با مرگ عيسي عادل شمرده شديم ، و روميان 3:22 نيز مي‌گويد كـه مـا بـا ايمـان عـادل شمرده شديم ، در حاليكه روميان 4:25 مي‌گويد كه ما بـا قيـام عيسـي مسـيح عـادل شـمرده شـده‌ايم. عادل شمردگي ما زماني تحقق مي‌يافت كه عيسـي مسـيح از مـرگ قيـام كنـد و بـراي ابـد زنـده باشـد! بنابراين، مرگ مسيح جدا از قيام او نمي‌تواند در عادل شمرده شدنِ ما اثري داشته باشد. بدين‌سان مرگ و قيام عيسي تفكيك ناپذيرند.

گام 4: كاربرد

ملاحظه: كداميك از حقايق موجود در اين بخش، چيزي اسـت كـه مسـيحيان مي‌تواننـد امـروز آن را به‌كـار ببرند؟

در ميان گذاشتن و يادداشت كردن: با يكديگر فكر كنيم و از روميـان 4:17-25 فهرسـتي از كاربردهـاي احتمـالي تهيه كنيم.

ملاحظه: كدام كاربرد احتمالي را خدا مي‌خواهد كه شما به كاربردي شخصي براي خودتان تبديل كنيد؟

يادداشت كردن: اين كاربرد شخصي را در دفترتان بنويسيد. مي‌توانيـد كـاربرد شخصـي‌تان را بـا ديگـران در ميان بگذاريد.

(به ياد داشته باشـيد كـه در گروههـاي مختلف، افـراد ممكن اسـت حقـايق متفـاوتي را بـراي كـاربرد شخصـي انتخـاب كننـد، يـا حـتي كاربردهـاي متفـاوتي را از يـك حقيقت اسـتخراج كننـد. ذيلاً فهرسـتي از كاربردهاي احتمالي را ارائه مي‌دهيم.)

كاربردهاي احتمالي

- 4:17؛ خدا به مردگان و نيمه‌مردگان حيات مي‌بخشد. به خدا اجازه دهيد كه با پذيرش عيسي مسيح و عمل كامل رهايي‌بخش او در قلب و زندگي‌تان، به روحتان حيات جاوداني بخشد. به خدا اجازه دهيـد بـه جسم شما قوتي تازه عطا كند تا قادر به انجام آنچه باشيد كه در گذشته از انجامش ناتوان بوديد.

- 4:17؛ خدا ناموجودات را به وجود مي‌خواند. به وعده‌هاي خـدا پيوسـته ايمـان داشـته باشـيد زيـرا وعده‌هاي او به اندازهٔ تحققشان معتبر است.

- 4:11،18؛ هدف خدا را هدف خود سازيد.

- 4:18؛ به وعدة خدا ايمان داشته باشيد بي‌آنكه نسبت به تحققشان نااميد شويد و بدان شك كنيد.

- 4:19-20؛ اجازه ندهيد شرايط شما بر ايمانتان غلبه يابد. و با تأملِ مداوم بر وعـده‌هاي خـدا بـه او اجازه دهيد كه ايمانتان را تقويت بخشد.

- 4:20-21؛ پيوسته در شناخت شخصيت خدا رشد كنيد زيرا نگرش شما نسبت بـه شخصـيت خـدا تعيين‌كنندهٔ خصوصيات ايمان شما است.

- 4:23-24؛ پيوسته به خود يادآور شويد كه كلام خدا در عهدعتيق نه تنها مختص مردمـان آن دوران، بلكه براي مردماني است كه در دوران عهدجديد نيز به‌سـر مي‌برنـد (بنـابراين، اين كلام شـامل شـما نـيز مي‌شود).

- 4:25؛ همواره به خاطر داشته باشيد كه مرگ مسيح باعث عادل شمرده شدن شماست و قيام او تضميني است بر اين حقيقت.

كاربردهاي شخصي
- من دريافته‌ام كه نگرش من نسبت به خدا تعيين‌كنندة قوت ايمان من است. بنابراين، مي‌خواهم بـه اين حقيقت بچسبم كه خدا وفادار است و آنچه را كه وعده داده است به‌عمل خواهـد آورد ؛ و نـيز بـر اين حقيقت كه او قادر مطلق است و مي‌تواند وعده‌هاي خود را تحقق بخشد. همچنين دريافته‌ام كه مي‌تـوانم با ايمانم تقويت يابم. و زماني قوت مي‌يـابم كـه بـه تمـامي وعـده‌هايي كـه خـدا در كلام خـود داده اسـت بچسـبم. همچـنين وقـتي بـه كلام خـدا ايمـان مي‌آورم، پيوسـته او را تمجيـد مي‌كنم و بـدين تـرتيب قـوت مي‌يابم.
- من دريافتم كه ايمان من بسيار شبيه ايمان ابراهيم است. من نيز چـون او بـه خـدا ايمـان دارم. من نيز به خدايي ايمان دارم كه مردگان را قيام مي‌بخشد. او عيسي مسيح را از مردگان قيام بخشيد. من نيز به وعدة خدا به ابراهيم ايمان دارم، به اين حقيقت كه خدا اكنون از طريق عيسي مسيح، كه مـرد و قيـام كرد، تمامي ملل جهان را بركت مي‌دهد!

گام 5: دعا
دعا: هر يك از ما به‌نوبت در بارة يكي از حقايقي كه خدا از روميان 4:17-25 به مـا آموختـه اسـت، دعـا كنيم.
(نسبت به آنچه كه در طول اين بررسي كتاب‌مقدس آموخته‌ايـد، در دعـا واكنش نشـان دهيـد. تمـرين كنيد كه فقط طي يك يا دو جمله دعا كنيد. به يـاد داشـته باشـيد كـه افـراد در گروههـاي مختلف، در بـارة مطالب متفاوتي دعا خواهند كرد.)

5 دعا (8 دقيقه)
دعاي واكنشي
در واكنش به آنچه كه امروز آموختيد، به‌نوبت دعاهايي كوتاه به‌حضور خدا بكنيد.
يا گروه را به دسته‌هاي دو نفري يا سه نفري تقسيم كنيد تا در واكنش به آنچه كه امـروز آموختيـد، بـه حضور خدا دعا كنيد.

6 تكليف (2 دقيقه)
براي جلسه بعد
(رهبر: اين تكليف را به‌صورت نوشته به اعضاي گروه بدهيد يا بخواهيـد كـه آن را در دفـتر يادداشتشـان رونويسي كنند).
- تعهد: نسبت به شاگردسازي و بناي كليسا و موعظة ملكوت احساس تعهد كنيد.
براي يك فرد يا يك گروه «روميان 4:17-25» را موعظه كنيد، يا تعليم دهيد يا بررسي نماييد.
- وقت خلوت: هر روز به اندازة نصف فصل از مزامير 1، 2، 5، 8 بخوانيد. از روش حقيقت دلخواه استفاده كنيد. يادداشت برداريد.
- به خاطر سپردن: آية جديد از كتاب‌مقدس را مورد تفكر قرار دهيد و آن را حفظ كنيد. جلال كليسا: افسسيان 3:20-21. اين آيه را هر روز تكرار كنيد.
- دعا: در اين هفته براي يك شخص يا يك چيز مشخص دعا كنيد و ببنيد كه خدا چه مي‌كند (مزمور 5:3).
- آمادگي: مَثَل گوسفند گمشده از لوقا 15:1-7 و مثل پسر گمشده از لوقا 15:11-32. از روش 6 گام براي تفسير مَثَل‌ها استفاده كنيد.
- پوشة مربوط به «موعظة ملكوت خدا» را تكميل كنيد.